

# آناپولیس خاورمیانه و آرزویی به نام "صلح"

محمد صادقی



چند هفته‌ای از کنفرانس آنابولیس می‌گذرد. این نشست همان طور که انتظار می‌رفت تنها با گرفتن عکس‌های یادگاری در کنار سه مقام رو به افول جهان یعنی "جرج بوش" رئیس جمهور آمریکا، "یهود اولمرت" نخست‌وزیر اسرائیل و "محمود عباس" رئیس تشکیلات خودگردان فلسطین پایان یافت. در آنابولیس در حالی که دوربین‌ها از مراسم کنفرانس صلح تصویر می‌گرفتند، خبرگزاری‌ها و روزنامه‌ها در خصوص نتایج این کنفرانس گزارش و تحلیل می‌نوشتند و رهبران آمریکا، اسرائیل و فلسطین درخصوص صلح فقط سخنرانی می‌کردند، تنها یک نمایش سیاسی ناموفق برای سه روز به روی پرده رفت. در آنابولیس آمریکا با دعوت از ۴۰ کشور تنها در جمع کردن کشورها موفق بود؛ اسرائیل با یک دست برای مذاکرات و با دست دیگر برای گسترش شهرک‌سازی استعماری و توسعه‌ی عملیات یهودسازی در غزه و قدس تلاش کرد و اعراب نیز با شرکت در این اجلاس هیچ کاری جز دادن امتیاز به اسرائیلی‌ها نکردند. تنها دستاورد این کنفرانس این بود که اولمرت و عباس تعهد کتبی دادند که مذاکرات صلح را دوباره آغاز کنند و برای دستیابی به صلح تا قبل از پایان سال ۲۰۰۸ به توافقی دست یابند!

## مناقشه دیرینه خاورمیانه

زمانی "اسحاق رابین" نخست‌وزیر سابق اسرائیل گفته بود تا زمانی که مناقشه اسرائیل و فلسطین تبدیل به نانی برای اسلامگرایان نشده، باید برای رسیدن به صلح شتاب کرد و حال همه می‌دانند که اگر اقدامات اسرائیل به ویژه در مورد ساختن شهرک‌های

یهودی‌نشین همچنان ادامه یابد، نه تنها تشکیل دو دولت امکان‌پذیر نخواهد بود بلکه آن به اصطلاح "دولت یهود" هم به پایان کار خود نزدیک می‌شود. با این وجود بوش در آخرین سال حضور خود در کاخ سفید یک بار دیگر قضیه فلسطین را در سطحی بین‌المللی مطرح کرد، بدون توجه به اینکه صلحی که او تبلیغ آن را می‌کرد آرزویی است که ۷ سال پس از کمپ دیوید دوم، ۱۴ سال پس از کنفرانس اسلو و ۱۶ سال پس از نشست صلح مادرید، امکان رسیدن به آن وجود نداشته است. در کنفرانس آنابولیس ۴۰ دولت شرکت کرده بودند تا "این آرزو تحقق پیدا کند" ولی آیا می‌توان آنچه را که از کنفرانس اسلو تا به امروز دست‌نیافتنی مانده است، در ۱۲ ماه آینده به دست آورد؟

در واقع باید گفت که بوش به دلیل ناکامی‌های پی‌درپی چاره‌ای نداشت جز آن که بخشی از رهبران جهان را به تحرک و جنبش وادارد و بهترین وسیله برای رسیدن به این هدف برگزاری کنفرانسی مثل آنابولیس بود. از همین حالا می‌توان حدس زد که در ماه‌های آینده چه موانعی بر سر راه اقدامات رهبران فلسطین و اسرائیل وجود خواهد داشت، چون مهمتر از آنابولیس رویدادهای پس از آن است. همان طور که در جریان کنفرانس اخیر هم شاهد تلاش‌های مخالفان بودیم، واکنش‌های شدید حماس در نوار غزه و مخالفت‌های برخی مقامات با نفوذ خاورمیانه با نشست آنابولیس در واقع طلیعه آن چیزی است که در آینده نزدیک شاهد آن خواهیم بود.

هر چند که آمریکایی‌ها تبلیغات زیادی در کنفرانس سازش آنابولیس مبنی بر اینکه می‌خواهند کار بزرگی برای صلح در فلسطین انجام دهند کردند، ولی عدم اراده هیچ راهکاری از سوی بوش ثابت کرد، آمریکا به ظاهر کنفرانس آنابولیس بیش از باطن آن اهمیت می‌دهد. آمریکا تنها وانمود کرد که به دنبال برقراری صلح در منطقه است اما تجربه نشان داده کاخ سفید برای تحقق صلح در منطقه به ویژه در خصوص فلسطین و

بازگرداندن سرزمین‌های اشغالی لبنان و سوریه هیچ تلاشی نخواهد کرد، بلکه می‌کوشد تا وانمود کند کلید حل بحران خاورمیانه در دستان کاخ سفید است. شاید بتوان گفت تنها موفقیتی که بوش در این کنفرانس بدان دست یافت ترغیب اولمرت و عباس به امضای یک بیانیه مشترک بود. بیانیه‌ای که در آن آمده بود: "ما عزم خود را جزم می‌کنیم تا جلوی خونریزی و درگیری بین ملت‌هایمان را بگیریم و می‌خواهیم دوره‌ی جدیدی از صلح و دوستی بر پایه‌ی آزادی، امنیت، عدالت، کرامت، احترام و شناخت متقابل را آغاز کنیم. ما برای آغاز دور جدید مذاکرات برای دستیابی به صلح به توافق رسیده‌ایم تا بتوانیم تمام مسایل مورد اختلاف را بدون استناد حل کنیم. ما موافقیم مذاکرات فشرده و متداوم برقرار کنیم و قول می‌دهیم تا پایان سال ۲۰۰۸ به توافقی دست یابیم".

این بیانیه در حالی منتشر شد که در آنابولیس حتی یک طرح سیاسی مشترک میان فلسطینیان و اسرائیلی‌ها ارایه نشد، چون "یهود اولمرت" (نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی) زیر بار آن نرفت. این نشست که از همان ابتدا شکست آن قابل پیش‌بینی بود، با یک سلسله وعده‌ها و صحبت‌های توخالی بوش، اولمرت و عباس پایان یافت تا به این ترتیب آنابولیس نیز به جمع کنفرانس‌های دیگری بپیوندد که هر از گاهی رهبران شکست خورده، صرفاً برای مطرح کردن خود و بدون توجه به ریشه‌های این بحران ۶۰ ساله برگزار کردند.

## آمریکا در آنابولیس به دنبال چه بود؟

کنفرانس آنابولیس که به کنفرانس صلح پاییزی معروف شده، اگرچه با حضور کشورهای عربی همراه شد و همگی آنها در سطح وزیر یا معاون وزیر خارجه در آن شرکت کردند، ولی این کنفرانس مهم در سایه‌ی اختلافات میان حماس و فتح، جنگ عراق، خلاء قانون اساسی و ریاست جمهوری در لبنان و دیگر تحولات خاورمیانه برگزار شد. آنابولیس فقط تلاش دولت بوش



- اما پرسش اینجاست
- که چطور می‌توان در
- عرض دوازده ماه به
- هدفی رسید که طی
- هفت سال پس از
- کمپ دیوید دوم و
- چهارده سال پس از
- کنفرانس اسلو و
- شانزده سال پس از
- نشست صلح مادرید،
- امکان رسیدن به آن
- وجود نداشته است؟

را داشته باشند و اسرائیلی‌ها هم به صلح دست یابند. فصل مشترک همه‌ی این سخن‌پرانی‌ها این بود که آنها می‌خواهند تا پایان سال ۲۰۰۸ به توافق رسیده و پیمان صلحی برای اسرائیل و فلسطین تدارک ببینند. اما پرسش اینجاست که چطور می‌توان در عرض دوازده ماه به هدفی رسید که طی هفت سال پس از کمپ‌دیوید دوم و چهارده سال پس از کنفرانس اسلو و شانزده سال پس از نشست صلح مادرید، امکان رسیدن به آن وجود نداشته است؟

### ایران و آنابولیس

بنابر اظهارات کارشناسان مسایل بین‌المللی، کنفرانس صلح خاورمیانه که در شهر آنابولیس در آمریکا برگزار شد، در کنار هدف اصلی، یعنی هموار کردن راه صلح میان اسرائیل و فلسطین، هدف دیگری نیز داشت و آن جلوگیری از نفوذ روزافزون جمهوری اسلامی و اسلام رادیکال در منطقه بود. آمریکا اجلاس آنابولیس را به عنوان محملی برای تعقیب سیاست خاورمیانه‌ای خود می‌دید که به خاطر آن در عراق حضور دارد ولی هدف پنهان این کشوری است که در آن جا حضور ندارد، یعنی جمهوری اسلامی ایران.

آمریکا تلاش می‌کند با دادن اطمینان به کشورهای عربی آنها را با خود علیه ایران همراه کند. تلاش برای انزوای ایران در منطقه به محور تلاش‌های دیپلماتیک آمریکا در منطقه تبدیل شده است. کشورهای کوچک عربی نگرانند که در جدال بین ایران و ایالات متحده زیر پا له شوند؛ نه می‌توانند به آمریکا نه بگویند و نه توان هر گونه موضع‌گیری علیه ایران را دارند. این کشورها عموماً به پایگاه سربازان آمریکا در منطقه تبدیل شده‌اند. کشورهای عربی برای تامین امنیت خود همه کارهای ممکن که بعضاً با یکدیگر همپوشانی نیز دارند را برگزیده‌اند. هم به خریدار عمده سلاح‌های آمریکایی تبدیل شده‌اند، هم با یکدیگر پیمان مشترک نظامی امضا

برای نشان دادن این نمایش دروغین بود که آنها هم سعی در برقراری صلح در منطقه دارند؛ تلاشی که بعد از هفت سال تازه به فکرشان خطور کرده است. کنفرانس سازش آنابولیس برای سرپوش گذاشتن بر شکست‌های سیاست خارجی آمریکا به ویژه در منطقه‌ی خاورمیانه برگزار شد. در واقع باید گفت کنفرانس آنابولیس بزرگترین تلاش جرج بوش، رییس جمهور آمریکا در راه ایجاد صلح در مناقشه‌ای توصیف می‌شود که دست کم ۶ دهه ادامه دارد. با این وجود آمریکا در این میان بیش از هر چیز به فکر منافع خود یعنی دست و پا کردن و چهره مثبت در ذهن جامعه جهانی بود و به مشکلات مردم فلسطین هیچ اهمیتی نداد و فقط جانبداری آمریکایی‌ها از اسرائیل را به نمایش گذاشت. این کنفرانس آنقدر برای آمریکایی‌ها مهم بود که حتی تونی بلر نخست‌وزیر سابق انگلیس را مامور کردند این موضوع را هدایت کند. بوش در حالی صحبت از صلح می‌کرد که سرزمین مردم فلسطین در اشغال صهیونیست‌ها است. مردمی که قلب آنها تنها در فلسطین آرام می‌گیرد. چگونه این انسان‌های عاقل که می‌خواستند برای صلح در خاورمیانه تصمیم بگیرند مساله پنج میلیون آواره را نادیده گرفتند؟

البته محمود عباس، رییس حکومت خودگردان فلسطین گفته که هدف اصلی شرکت در کنفرانس آنابولیس که همان آغاز روند صلح بین فلسطینیان و اسرائیلی‌ها می‌باشد، محقق شده است. بنابر اظهارات وی، هدف اصلی این کنفرانس، آغاز روند مذاکرات بین فلسطینیان و اسرائیلی‌ها بود که عملاً بر سر آن توافق شد. بوش در سخنان اخیر خود در کنفرانس آنابولیس متعهد شد که از این روند "حمایت کامل" کند و گفت: "محور مذاکرات تاسیس یک کشور مستقل فلسطینی است که با اسرائیل همزیستی داشته باشد." بنابر اظهارات بوش تاسیس چنین کشوری سبب خواهد شد فلسطینیان شانس زندگی آزاد و هدفمند و شرافتمندانه

کرده‌اند و هم به پایگاه نظامی آمریکا تبدیل شده‌اند؛ یعنی با وارد کردن یک قدرت فرامنطقه‌ای در تلاش هستند امنیت خود را تامین کنند. در این شرایط ایالات متحده در تلاش است کشورهای منطقه را علیه ایران متحد کند و هر کدام را به نحوی از عواقب منفی آن اطمینان خاطر دهد، کاری که با وجود کشورهای محافظه کار عرب دشوار به نظر می‌رسد.

چنانچه ذکر شد مصر و عربستان در این میان دارای اهمیت هستند و نه کشورهای کوچک و بی‌اهمیت خلیج فارس. اگر اسرائیل به خاطر اصرار رایس به شرکت در اجلاس و برداشتن گام‌های جدی برای صلح مصمم است، پس چرا در آستانه‌ی اجلاس به سرعت شهرک‌سازی را گسترش می‌دهد. مطمئناً اسرائیل به هیچ وجه انتظار حل مساله فلسطین به نفع خود را از این کنفرانس نداشت و تنها اشتراکش با آمریکا دشمنی با ایران است که در این زمینه یک قدم از آمریکا نیز جلوتر است و همیشه به عنوان عامل فشار بیشتر از سوی آمریکا علیه ایران عمل می‌کند. با این اوصاف پشت پرده‌ی آنابولیس چیزی نیست جز تضعیف متحدین منطقه ایران و در نهایت ایجاد ائتلافی از کشورهای منطقه برای انزوای ایران.

حتی "هشام ملحم" روشنفکر عرب و رییس دفتر تلویزیون العربیه در شهر واشنگتن دی سی، در این خصوص گفته است: "در میان طبقات سیاسی دنیای عرب، این نگرانی و هراس جدی وجود دارد که جریان‌ات اسلامی به وضعیت پایدار و آرامی دست نیافته‌اند. این طبقات از این نگرانند که ایران و متحدانش به نحوی عمل کنند که گویی پایان کار آمریکا در خاورمیانه از هم اکنون آغاز شده است."